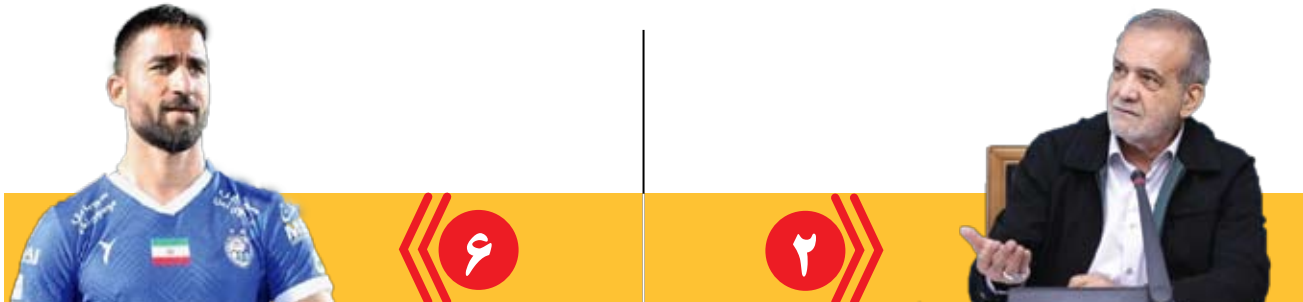




مهرداد محمدی
تراکتوری شد

پزشکیان:

مردم در مصرف آب صرفه جویی کنند

مس سونگون حریف اش را ۱۰ تایی کرد



۶

آرش محمدی نویسنده و کارگردان نمایش
«یک خراش کوچک» در گفت و گو با عصر آزادی:

هیچ اصراری به قرار گرفتن در چارچوب یک سبک مشخص ندارم



۸



تشکیل کنسرسیوم صادراتی نیاز ضروری آذربایجان شرقی

یادداشت

دکترین ترامپ؛ خیال پردازی بازدارنده یا زمینه ساز جنگی تازه؟!



۱

رشد هیجانی کودکان
در عصر اضطراب
والدین؛ نگاهی
روان‌شناختی به
خانواده‌های امروز



۸

یادداشت

دکترین ترامپ؛ خیال پردازی بازدارنده یا زمینه ساز جنگی تازه؟!

قدیر گلکاریان، مدرس روابط بین الملل Near East University

دولت ترامپ و حامیانش می‌کوشند القا کنند که حملات به فردو، تنظیر و اصفهان، باعث توقف کامل یا لااقل فلج شدن برنامه هسته‌ای ایران شده است. اما کارشناسان مستقل و اژانس‌های اطلاعاتی غربی نیز ادعان دارند که این حملات حداکثر تأخیری موقتی در برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کرده‌اند. برنامه‌ای که ساختار زیرزمینی، منابع انسانی خیره و تجربه چند دهه‌ای دارد، با بمباران هوایی به‌طور کامل حذف نمی‌شود. حتی مقامات کشورمان نیز از ابراز عقیده قطعی در مورد میزان خسارت خودداری کرده و وزیر خارجه اخیراً در مصاحبه خود با فاکس نیز اعلام داشته است که در حال حاضر امکان غنی‌سازی وجود ندارد.

در چنین شرایطی، اگر آمریکا با اسرائیل به تداوم حملات با آغاز یک دور تازه از اقدامات نظامی بپردازد، باید انتظار پیامدهای منطقه‌ای شدید، پاسخ‌های مستقیم یا غیرمستقیم ایران و از همه مهم‌تر، تضعیف بیشتر نظم بین‌المللی را نیز داشته باشند.

مردم جامعه بیش از هر کسی نگران آینده خود و کشور ایران است. آنها در محافل مختلف و در گفت‌وگوهای رسانه‌ای در فضای مجازی پیوسته از احتمال تحقق حمله مجدد اسرائیل یا آمریکا سخن گفته و قادر به تصمیم‌گیری در امر سرمایه‌گذاری خرد و کلان نیستند. از سوی دیگر، نقش تبلیغات انحرافی و ممانعت از ورود گردشگران از سوی دولت ایران، اگر در عراق، سوریه یا لبنان حملاتی تندرو، به‌ویژه زاینده نگرانی‌های دیگری است. معهداً از منظر راهبردی، به نظر می‌رسد چهار سناریو می‌تواند موجب نقض آنتن‌سپ یا اقدام نظامی مجدد آمریکا یا اسرائیل علیه ایران شود. (۱) فعالیت‌های هسته‌ای مشکوک یا جهش‌دار ایران، اگر اطلاعاتی به‌دست آید که ایران در حال پیش‌بردن سریع برنامه تسلیحات هسته‌ای است، این می‌تواند پهنه‌ای برای اقدام نظامی باشد. (۲) حملات نیابتی از سوی گروه‌های نزدیک به ایران، اگر در عراق، سوریه یا لبنان حملاتی تندرو، به‌ویژه یا اسرائیل صورت گیرد و این کشورها آن را به ایران نسبت دهند، احتمال واکنش مستقیم افزایش می‌یابد. (۳) فشار لایه‌های داخلی آمریکا یا اسرائیل: جناح‌های تندرو، به‌ویژه در آستانه انتخابات، ممکن است برای نشان دادن قاطعیت در برابر ایران، کاخ سفید یا تل‌آویو را به سمت درگیری سوق دهند. (۴) فروپاشی دیپلماسی و مذاکرات منطقه‌ای: اگر تلاش‌ها برای احیای دیپلماسی – به‌ویژه از سوی اروپا یا کشورهای عربی – شکست بخورد، فضای خالی تعامل ممکن است با درگیری پر شود.

احتمال وقوع جنگ چقدر واقعی است؟

تحلیل‌گران امنیتی معتقدند که احتمال حمله نظامی مجدد آمریکا به ایران در کوتاه‌مدت بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و احتمال حمله اسرائیل بین ۴۰ تا ۵۰ درصد است. البته نه در قالب جنگ تمام‌عیار، بلکه در قالب عملیات محدود و هوشمندانه. این برآورد بر اساس سه عامل اصلی انجام می‌شود: (الف) توازن قدرت منطقه‌ای: در حالی که ایران از قدرت دفاعی و شبکه متحدان منطقه‌ای گسترده برخوردار است، و دکتر عراقی هم در محاصره اخیر خود بر حمایت ایران از حوثی‌ها و با لبنان و سایرین سخن به میان آورده‌اند؛ آمریکا به‌دنبال درگیری طولانی جدید نیست. اما اسرائیل ممکن است گزینه‌ی حمله محدود را به‌عنوان راهی برای تقویت بازدارندگی برگزیند. حملات اسرائیل به پهنانه حمایت از دروزی‌های اسرائیلی در راستای برهم زدن نظم تمامیت ارضی سوریه بوده و می‌خواهد چپه جنگ را به‌ر نحو ممکن به مرزهای ایران نزدیک کند. به قول رهبر معظم انقلاب که سال‌ها پیش ادعای داشته بودند، اگر در سوریه جنگیم، باید در مرزهای خودمان مبارزه کنیم. امروز دقیقاً این موضوع صدقیت یافته است. (ب) ملاحظات داخلی در آمریکا و اسرائیل: در هر دو کشور، دولت‌های مستقر تحت فشار سیاسی شدید هستند. ترامپ

در حالی که کشور با شرایط آتش‌بس غیرمکتوب مواجه است و همین امر موجب نگرانی جامعه و حتی مسئولین هم شده است؛ القابات متعدد رسانه‌ای به شدت رو به افزایش می‌باشد. بی‌شک باید تأثیرات آنها را بر روی ذهنیت جامعه پذیرفت. اما بیش از اینکه دلیل رسانه‌ای ملامت باشد، باید گفت که شرایط نااهمگون و ناگوار زیستی در کشور، اهم از مشکلات ناشی از کمبود برق و آب و کساد بازار به دلیل نگرانی از آینده و همچنین بالا رفتن مجدد میزان مهاجرت به کشورهای دیگر – به طوری که اداره آمار ترکیه در ماه ژوئن اعلام کرده که در فروش املاک به خارجی‌ها، مشتریان ایرانی در رتبه نخست قرار دارند – باعث شده که بستر لازم پذیرش ترانزیت و تجمعات انبساطی افراد جامعه فراهم آید. طبیعتاً در این میان نقش برخی از کاتال‌های خبری داخلی و رسانه‌های فعال در فضای مجازی بیش از هر نهاد و فرد دیگری در تشویش ذهن مردم نقش دارند.

متأسفانه برخی از همین کاتال‌های خبری و رسانه‌ای برای فراهم آوردن تعداد تعقیب کننده و دیده شدن کاتال‌های خود، پیوسته به اخبار جعلی پرداخته و به‌دشمن‌انگاری می‌کنند و یا با سرتیترهای هیجان‌انگیز، التهاب فکری بسیار خطرناکی را در کشور فراهم می‌آورند که این خود هیزم در آتش دشمن نهان است. در کنار این، باز افرادی از هر مقام حقیقی و حقوقی لب به بیان برخی استنادات فردی و بدون توجه به بازخورد و تبعات اظهارات خود در این برهه، چنان بر زخم مردم نگران و مردم نمک می‌پاشند که باید دشمن به آنها پاداش بدهد. یعنی به عبارتی روشن‌تر، تا این گروه‌ها، افراد و کاتال‌ها را داریم نیازی به دشمن نداریم!

این هفته در یادداشت خود سعی خواهم کرد دلیل انتقادی سیاست نظامی دولت آمریکا در قبال ایران و احتمال بازگشت به تنش و درگیری در خاورمیانه بپردازم که تصور می‌کنم پاسخ‌دهنده برای بسیاری از افراد بوده باشد.با شدت گرفتن دوباره تنش‌ها در خاورمیانه و بعد از حملات ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران، مقامات آمریکایی تلاش دارند این اقدامات را در چارچوب آنچه «دکترین ترامپ» نامیده می‌شود، توجیه کنند. جی.دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنانی از این دکترین به‌عنوان رویکردی مؤثر یاد کرده که ترکیبی از دیپلماسی و قدرت نظامی برای حل «تهدیدهای مستقیم علیه منافع آمریکا» است.

اما نگاهی عمیق‌تر به این دکترین نشان می‌دهد که نه‌تنها پایه‌های نظری و اجرایی محکمی ندارد، بلکه بازتولید همان رویکردهای مداخله‌جویانه‌ای است که آمریکا را در چند دهه اخیر وارد جنگ‌های ویرانگر و بی‌نتیجه کرده است. پرسش مهم اینجاست که آیا این دکترین می‌تواند آینده‌ای متفاوت رقم بزند یا باز دیگر منطقه را درگیر دور جدیدی از نزاع‌ات خواهد کرد؟ و آیا احتمال حمله مجدد آمریکا یا اسرائیل به ایران، آن‌هم در شرایط شکننده آنتن‌سپ، واقع‌گرایانه است یا صرفاً بازی با آتش محسوب می‌شود؟

نقشه سده‌انگاران؛ پهنام دکترین ترامپ

جی.دی. ونس در تعریف دکترین می‌گوید: «مشکل

نیزآزمند نمایش اقتدار در سیاست خارجی است، به‌ویژه پس از کاهش محبوبیت عمومی به دلیل مسائل داخلی. در اسرائیل نیز دولت برای بقا به اقدامات امنیتی تهاجمی نیاز دارد. زیرا نتانیاهو هر گاه سکون و آرامش را ببیند به قطع و یقین شیرازه دولت او از بین خواهد رفت و سقوط او از صحنه سیاسی حتمی است. به طوری که باراک و همچنین ابیهود اولمرت، نخست وزیران سابق اسرائیل بر همین موضوع صحه نهاده و گفته‌اند که نتانیاهو برای بقای حیات سیاسی خود جنگ را ادامه می‌دهد.

(ج) میزان انعطاف‌پذیری ایران: اگر ایران علناً سطح غنی‌سازی را افزایش دهد یا از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فاصله بگیرد، انگیزه برای حمله بالا می‌رود. اما اگر تهران با احتیاط، در چارچوب محاسبات بازدارنده و چندجانبه حرکت کند، احتمال برخورد کاهش می‌یابد. گفتنی است که رفتار ایران طی دو دهه گذشته همواره بین مقاومت فعال، تطبیق تاکتیکی، و گاه تحریک هدفمند در نوسان بوده است. جمهوری اسلامی ایران نشان داده که هم در برابر فشارهای تحریمی و هم ضربات امنیتی از خود تاباوری نشان می‌دهد. همچنین ساختار تصمیم‌گیری در ایران بر پایه‌ی نوعی «تعادل محاسبه‌شده» است. پاسخ‌ها نه آن‌قدر شدید هستند که منجر به جنگ تمام‌عیار شوند، و نه آن‌قدر منفل که اعتبار داخلی و منطقه‌ای نظام را تهدید کند. این راهبرد شاید تاکنون مانع جنگ شده باشد، اما در شرایطی که هر دو طرف روی لبه تیغ حرکت می‌کنند، امکان دارد یک اشتباه محاسباتی بتواند به فاجعه‌ای تمام‌عیار منجر شود. در این میان نباید روحیه ملی و وحدت فکری جامعه را مورد غفلت قرار داد.

حادثه‌ای که در فرس چنین تصور کنیم که دکترین ترامپ به ظاهر هدف بازدارندگی را دنبال کند، تجربه‌های تاریخی (عراق، یوگسلاوی، افغانستان، لیبی) نشان داده‌اند که استفاده از ابزار و کوتاه‌مدت از قدرت نظامی بدون راهبرد دیپلماتیک مؤثر، تنها به تشدید بحران می‌انجامد. ایران نیز کشوری با توان بازدارندگی خاص خود است، از جمله شبکه‌های نفوذ منطقه‌ای، قدرت سایبری، ظرفیت پاسخ غیرمقتدران و توان بازسازی سریع زیربنایهای هسته‌ای. لذا نادیده گرفتن این واقعیات می‌تواند بازی با آتش باشد.

نتیجه کلام اینکه، رؤیای بازدارندگی یا بازتولید درگیری را بایستی از نو مرور کرد. آنچه پهنام دکترین ترامپ معرفی می‌شود، در بهترین حالت بازنامه‌ی سده‌انگارانمانه‌ای است استراتژی کلاسیک مبتنی بر زور قاطع و خروج سریع است؛ چیزی که در جهان واقعی و در برابر بازیگران پیچیده‌ای چون ایران، عملاً کارایی خود را بارها از دست داده است. باید رسانه‌های باوجدان حقایق را بازگو کنند و نگذارند رسانه‌های معاند و تشویش‌کننده، مردم را بیش از این نگران کنند. تحریک بی مورد در هر مقطعی مناسب نیست. عقل‌مندی گامی رو به جلوس. لیکن در شرایطی که منطقه درگیر آتش‌سپس شکننده‌ای پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل است، ادامه نمایش قدرت از سوی واشنگتن یا تل‌آویو، بدون درک عمیق از پیچیدگی‌های امنیتی، سیاسی و روانی تهران، تنها می‌تواند آتش خاموش‌نشده را دوباره شعله‌ور کند. اگر قرار است از درگیری پیشگیری شود، چاره‌ای جز بازنگری در دکترین‌ها، بازگشت به دیپلماسی مؤثر و پذیرش این واقعیت که بازدارندگی واقعی، فقط در سایه تعامل، احترام متقابل و فهم متوازن منافع حاصل می‌شود. از همه مهم‌تر باز تأکید می‌نمایم هر کسی ره به چاره از دهش می‌یابد در راستای اجرای تقویم انتخابات برگزار و آخرین جمع‌بندی‌ها و آمادگی استان‌ها را برای شروع فرایندهای انتخاباتی مرور کردیم. وی افزود: رؤسای کمیته‌های ستاد مرکزی



متن توضیحات معاونت حقوقی ریاست جمهوری

به شرح زیر است:

- لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی بنا به الزام مندرج در مصوبه سال ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی، توسط قوه قضائیه درمهر ماه ۱۴۰۲ تهیه شده و به عنوان لایحه قضایی به دولت ارسال شده و پس از ارسال این لایحه به دولت بررسی لایحه در دولت از دی ماه ۱۴۰۳ آغاز شده است. لذا انتساب آن به شرایط جنگی و قانونگذاری احساسی صحیح نیست.

- لایحه اولیه واجد ایرادات فراوانی بود. از جمله در صدد بیان این دیدگاه بود که قانون مجازات فعلی رویکرد پسینی دارد و نه پیشینی. لذا در صدد ایجاد نهادهی جهت نظارت پیشینی بود. در این راستا سامانه صحت سنجی جهت راستی آزمایی اخبار و اطلاعات قبل از انتشار در فضای مجازی را پیش بینی نموده بود.

- موضع اولیه دولت (معاونت نظارت پیشینی بود. در نهایت به عنایت به مفاد نظریه تفسیری سال ۱۳۹۷ شورای محترم نگهبان در باره لوایح قضایی و همچنین با عنایت به تبصره الحاقی به ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی که مهلت سه ماهه ای را برای دولت با یکبار قابلیت تمدید جهت بررسی لوایح قضایی معین کرده است و پس از آن موعده، امکان طرح مستقیم لایحه توسط قوه

معاون سیاسی وزیر کشور خبر داد

ارائه گزارشی جامع از آمادگی استان‌ها برای انتخابات



انتخابات نیز گزارش‌های خوبی ارائه و سوالات خود را مطرح کردند. از فرصت این دوره استفاده کردیم و هم گزارش‌هایی از وضعیت استان‌ها دریافت شد و هم تصمیمات وزارت کشور و نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه مسئولیت این عزیزان به آنان ابلاغ شد. معاون سیاسی وزیر کشور با اشاره به رویکرد

قضائیه در مجلس وجود دارد و همچنین با عنایت به الزام مندرج در مصوبه سال ۱۳۹۹ شورای عالی فضای مجازی مبنی بر ارائه لایحه در خصوص محتوی خلاف واقع در فضای مجازی، کمیته‌ای تخصصی در دولت با حضور نمایندگان قوه قضائیه برای این منظور تشکیل شد.

در جلسات این کمیته، این اصلاحات صورت گرفت:

- ۱) حجم لایحه از ۴۰ ماده و ۳۹ تبصره (حدود ۷۹ حکم) به حدود ۲۰ ماده کاهش یافت و بخش اعظم آن حذف شد.
- ۲) رویکرد لایحه از نظام صدور مجوز برای درگاه‌های نشر به ثبت اصلاح شد.
- ۳) تکلیف سکوها، درگاه‌ها و بویژه کاربران نسبت به راستی آزمایی مطالب پیش از انتشار یا به اشتراک‌گذاری آنها حذف شد.
- ۴) ایجاد سامانه دولتی راستی‌آزمایی حذف شد و نظارت از پیشینی به پسینی تغییر یافت.
- ۵) بخش قابل‌توجهی از جرایم پیش‌بینی شده در لایحه، حذف شدند و نهایتاً با مسؤلیت مدنی جایگزین شدند.
- ۶) مجازات‌های بسیار شدید تا حد ممکن تعدیل شدند. ۷- صرفاً درگاه‌های نشر با نصاب عضویت بالا (یک هزارم جمعیت کل کشور) مشمول شدند و الباقی خارج شدند.
- اصلاحات را با لحاظ جدول مقایسه ای بین متن اولیه و متن نهایی می توان مشاهده نمود.
- نهایتاً متن کنونی لایحه با تعدیل و پرداخته شد که برخی از موارد مهم آن در بالا اشاره شد جمع‌بندی و در دولت تصویب شد.

انستجام‌بخش وزارت کشور پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، اظهار کرد: در این راستا که انستجام ملی ارتقا پیدا کرده است، وزارت کشور نشستی فراگیر با احزاب برگزار کرد و تأکید شد که استان‌ها نیز چنین اقداماتی را انجام دهند، گفتگو کنند و اقدام‌سازی صورت گیرد.

زینی‌وند تصریح کرد: یکی از محورهای مورد توجه، تبیین درست دلایل جنگ اخیر به‌ویژه برای نسل جوان است؛ چراکه معاونین سیاسی، امنیتی و اجتماعی، متولی شورای اطلاع‌رسانی استان‌ها نیز هستند. وی خاطرنشان کرد: در این جلسه به موضوعات مربوط به مردم و مسائل اجتماعی نیز پرداخته شد. امیدواریم نتایج آن در استان‌ها به‌طور ملموس دیده شود.